

## از فرآیندهای ترجمه تا راه حل فرازبان

غلامرضا شکرانی (استادیار گروه زبان فرانسه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران)

shokranireza@gmail.com

### چکیده

پیشرفت علوم زبان روزبه‌روز لایه‌های نهانی و زیرین زبان را برایمان آشکارتر می‌کند و علم ترجمه‌شناسی نیز به‌نوبه خود ما را به کشف شگفتی‌هایی که در برخورد و تماس زبان‌ها در جریان ترجمه به‌وجود می‌آیند، رهنمون می‌سازد. در این پژوهش تأکید ویژه ما بر اهمیت واقعیت فرازبان در کار ترجمه است. فرازبان هرچند از زبان نشئت می‌گیرد و با زبان پدید می‌آید، ریشه در بطن فرهنگ قومی دارد. برای تسهیل در طرح چنین فرضیه‌ای پا را از طرح فرآیندهای اصلی ترجمه (فرانسه-فارسی) فراتر نهاده و با کمک سبک‌شناسی تطبیقی نشان خواهیم داد که چگونه نشانه‌های زبانی یا صورت‌های کلامی به‌خودی خود قابل ترجمه نیستند، یا اگر باشند حاوی تمام ابعاد معنا نیستند. در انتقال معنا معیارهایی همچون «سنخ عادی» یا «سنخ غیرعادی» امور اهمیت می‌یابند که صرفاً با توجه به تقابل فرهنگ مبدأ و فرهنگ مقصد مطرح و مشخص می‌گردند.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه‌شناسی، فرآیندهای ترجمه، سبک‌شناسی تطبیقی، فرازبان

## ۱. مقدمه

قرن بیست یکم را متخصصان علوم اجتماعی آنرا قرن مهاجرت می نامند. مهاجرت یعنی برخورد انسان‌ها، زبان‌ها و اندیشه‌ها. ما نیز اگر به‌نوبه خود آن را عصر ترجمه بنامیم، بیهوده نگفته‌ایم. ترجمه‌شناسی دیگر جای خود را در بین علوم به‌خوبی پیدا کرده و روزبه‌روز رو به گسترش است. در نگاهی کلی به تاریخ‌نویسندگان کهن این علم، اسامی نظریه‌پردازانی چون ژرژ مونن (۱۹۵۵)، برمن (۱۹۸۴)، لادمیرال (۱۹۹۴)، ونوتی (۱۹۹۵)، تئو هرمانس (۱۹۹۶)، مشونیک (۱۹۹۹)، ژان دولیل (۲۰۱۳) و دیگران می‌درخشند. تلاش‌های هریک به سهم خود نه‌تنها در تکوین علم ترجمه‌شناسی دستاورد عظیمی هستند، بلکه حرکت‌های مؤثری در تحول نگاه بشر به زبان هستند. بدیهی است که به‌دلیل وجود واریاسیون‌ها یا دگرش‌های متفاوت از یک زبان به زبان دیگر، در ترجمه روش کلمه‌به‌کلمه اغلب به شکست می‌انجامد. ما در این مبحث شیوه‌ها و فنون موجود در کار ترجمه فرانسه‌فارسی را در چهار فرآیند اصلی خلاصه‌وار مطرح می‌کنیم و این تحلیل مجمل و کاربردی را مقدمه‌ای قرار می‌دهیم برای دغدغه اصلی‌ای که بر علم ترجمه‌شناسی سایه افکنده است و آن مقوله فرهنگ و فرازبان است. همان‌طور که در بخش دوم این نوشته خواهیم دید، مسائل فرهنگی از جامعه‌ای به جامعه دیگر همخوانی کامل نداشته و گاهی در ترجمه ناهنجاری ایجاد می‌کند. برای موقعیت‌هایی که فرآیندها و فنون ترجمه‌ای مذکور در بخش اول جوابگوی کار مترجم نباشند فرازبان را به‌عنوان راهکار پیشنهاد می‌کنیم. در ابتدا، بدون آن‌که کار سبک‌شناختی مقایسه‌ای انجام داده باشیم، فقط به تحلیل فرآیندهای مؤثر در ترجمه منحصراً فرانسه به فارسی می‌پردازیم.

## ۲. فرآیندهای بنیادین در ترجمه فرانسه به فارسی

در بخش نخست تحلیل، نگاهی نو می‌اندازیم به اثر مهم و بنیادین علم ترجمه‌شناسی، یعنی کتاب سبک‌شناسی مقایسه‌ای فرانسه و انگلیسی. وینه و داربلنه<sup>۱</sup>

در این کتاب معروفشان برای ترجمه فرانسه به انگلیسی هفت فرآیند باز می‌شناسند و آن‌ها را به دو گروه فرآیند ترجمه دسته‌بندی می‌کنند: فرآیندهای ترجمه مستقیم و فرآیندهای ترجمه غیرمستقیم. اقتباس، برساخت و ترجمه کلمه‌به‌کلمه فرآیندهای گروه ترجمه مستقیم‌اند؛ زیرا کار ترجمه در سطح مقابله کلمات معادل و موجود در دو زبان انجام می‌شود. فراگذاری، تغییر دیدگاه، معادل‌یابی و تطبیق را در گروه دوم قرار می‌دهند. این چهار فرآیند از فنون اساسی ترجمه هستند و تمام سطوح واژگان، نحو، معنا و حتی فرهنگ را در بر می‌گیرند. ما نیز نشان خواهیم داد که در ترجمه فرانسه به فارسی کدام‌یک از این فرآیندها معتبرند و چگونه عمل می‌کنند. البته ضمن آنکه به کاوش در فرآیندهای دسته دوم صرفاً در ترجمه فرانسه‌فارسی می‌پردازیم، از بررسی فرآیندهای دسته اول نیز غافل نخواهیم ماند.

#### فرآیند اول: تغییر دیدگاه<sup>۱</sup>

این فرآیند مبتنی است بر ایفای تغییر دیدگاه از یک زبان به زبان دیگر: همان مسئله لیوان نیمه‌خالی یا نیمه‌پر است. تغییر دیدگاه فرآیندی اختیاری است، اما اغلب بدان توصیه می‌شود.

فرانسه	فارسی
C'est pas bête du tout !	چه رندانه!
Vous n'êtes pas sans savoir que	می‌دانید که
Ils ont trouvé la mort	جان خود را از دست دادند
Ne quittez pas	گوشی دست‌تون
Peu profond	سطحی
Le voyageur ne tarde pas à decouvrir	مسافر به‌زودی در می‌آید

1. Modulation

گاهی استفاده از این فرآیند اجباری می‌نماید:

فرانسه	فارسی
Tu me manques	دلم برات تنگ شده
Bureau des objets trouvés	دفتر اشیاء گم شده
complet	جا نیست (ظرفیت تکمیل)

فرآیند تغییر دیدگاه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. تغییر دیدگاه استعاره‌ای: استعاره از زبانی به زبان دیگر تغییر می‌یابد. استعاره‌ها حتی در درون یک زبان ممکن است از گویشی به گویش دیگر متفاوت باشد.

فرانسه	فارسی
Il pleut des cordes	باران مثل دم اسب می‌بارد/ سیل از آسمان می‌بارد
La route en lacet	جاده پر پیچ و خم

۲. تغییر دیدگاه مجاز یا دگرنامی: این تغییر دیدگاه مکانی یا زبانی است.

فرانسه	فارسی
On se retrouve devant la mairie	دم در شهرداری هم رو ببینیم
Trios sur quatre	سه چهارم
Une semaine sur deux	دو هفته یک‌بار، یک هفته در میان

وارونه‌سازی، نفی بر عکس:

فرانسه	فارسی
Sois gentil	بدجنس نباش
Pas très intéressant	تا حدی خسته‌کننده
pas cher	ارزان

- در ترجمه صفتهای مقایسه‌ای زبان فرانسه که با *moins que* همراهند، چاره‌ای جز استفاده دستیازی وارونه‌سازی نداریم. این وارونه‌سازی به دو روش می‌تواند صورت گیرد: از طریق وارونه‌سازی صفت یا با وارونه‌سازی تمام گزاره.

فرانسه	فارسی
Nicolas est moins âgé que Delphine	نیکلا از دلفین جوان‌تر است. یا دلفین از نیکلا مسن‌تر است.
Moins grand	کوچک‌تر

- تغییر دیدگاه نحوی یا گرامری: می‌توان گفت که فراگذاری در واقع نوعی تغییر دیدگاه گرامری است.

فرانسه	فارسی
Ce livre m'a enchantée	سراپا مجذوب این کتاب شدم
Cette idée l'obsédait	او مدام در این اندیشه بود

### ترجمه ON در زبان فرانسه

در زبان فرانسه هنگامی که فاعل مشخص نباشد، از ضمیر شخصی خاصی استفاده می‌کنند که درست مانند یک فاعل نقش نحوی ایفا می‌کند، در صورتی که می‌تواند معنای وسیعی را در بر بگیرد. برای پی‌بردن بهتر این وسعت معنایی که از ویژگی زبان فرانسه محسوب می‌شود، از مثال‌هایی از زبان انگلیسی نیز کمک می‌گیریم:

انگلیسی	فارسی	فرانسه
It is said that/ people say that time is money	میگن زمان یعنی پول	On dit que le temps, c'est l'argent
I was refused entrance	نگذاشتند من داخل شوم (وجه مجهول نشان‌دهنده آن است که مجرم مهم نیست. آنچه اولویت دارد اینست که من قربانی هستم. من حقم پایمال شده است.)	On ne m'a pas laissé rentrer

انگلیسی	فارسی	فرانسه
One can never tell	منظور کلی، سطح زبانی رسمی. هرگز کسی نمی تواند بگوید.	On ne peut jamais savoir
We have to go	بیاد بریم. (مخاطب را نیز شامل می شود. اینجا یعنی ما.)	On doit y aller
When you drive too fast, you're driving to your death	وقتی با سرعت زیاد رانندگی می کنید، دارید به سوی مرگ می رانید. (روی سخن با مخاطب بوده و او را نیز شامل می شود.)	Quand on conduit trop vite on conduit vers sa mort
In England, they drive on the left	در انگلستان از سمت چپ رانندگی می کنند. (گروه خاصی مد نظر است، گوینده و مخاطب را شامل نمی شود.)	En Angleterre, on roule à gauche

### فرآیند دوم: فراگذاری<sup>۱</sup> یا تعویض مقوله گرامری

این فرآیند عبارت است از تغییر مقوله گرامری بین زبان مبدأ و زبان مقصد که اغلب اجباری می نماید.

**مصدر- فعل امری:** در ترجمه فرانسه فارسی یکی از رایج ترین مقوله هاست؛ زیرا زبان فرانسه علاوه بر وجه امری فعل، از مصدر نیز برای بیان مقصود امری استفاده می کند.

فرانسه	فارسی
Lire intégralement le manuel d'utilisateur	دفترچه راهنمای مصرف کننده را به طور کامل مطالعه کنید.
Ne jamais ouvrir le tiroir a lessive lorsque l'appareil est en marche	هنگام کار ماشین هرگز کشوی پودر لباسشوی را باز نکنید.
Consommer avec modération	با اعتدال مصرف کند.

1. Transposition

## اسم-قید:

فرانسه	فارسی
Avec intelligence	هوشمندانه
Avec regret	متاسفانه
Avec force	نیرومندانه

## اسم-صفت:

فرانسه	فارسی
Les personnes en deuil	اشخاص عزادار
Des étudiants en médecine	داشجویان پزشکی
Television en couleur	تلویزیون رنگی

## فعل-صفت:

فرانسه	فارسی
Les gens se méfient	مردم بی اعتماد هستند.
Vendu avec notice	دفترچه دستورالعمل هنگام فروش ارایه می شود.
A vendre	فروشی
Plats à emporter	غذای بیرون بر
Machine à laver	ماشین لباسشویی

## قید-صفت:

فرانسه	فارسی
Il frappe lourdement	محکم به در میزنه
Il marchait rapidement	تند راه می رفت
Enervee, il repliqua que	با عصبانیت جواب داد که

## فعل-قید:

فرانسه	فارسی
Il continue de penser à elle	او همچنان بهش فکر می کنه
Il finit par mourir	سرانجام فوت کرد

## حرف تعریف-ضمیر ملکی:

فرانسه	فارسی
Dit-il, en se grattant la tête	درحالی که سرش را می خاراند گفت

## کلمات ترکیبی:

فرانسه	فارسی
Coffer-fort	گاوصندوق
Va-et-vient	آمدو شد
Laisser-passer	برگه عبور
Sans-froid	خونسردی

فراگذاری موضعی: تغییر بر روی یک کلمه در درون یک گروه صورت می گیرد و گروه تغییر نقش پیدا نمی کند.

فرانسه	فارسی
Peut-être souhaitez-vous améliorer votre confort ?	شاید احيانا بخواهيد با راحتی بیشتری سفر کنید؟

در اینجا هر دو گروه، گروه های فعلی هستند؛ بنابراین تغییر اعمال شده «کلی» نیست.

شاسه کروازه<sup>۱</sup>: در واقع نام نوعی فراگذاری دوگانه است، به علاوه یک جایگشت نحوی. به چند مثال رایج زیر دقت کنید:

1. Chassé-croisé



## - افعالی که دارای مفهوم جابه‌جایی هستند.

فرانسه	فارسی
Il est entré dans la pièce en courant	به درون اتاق دوید.
Il a traversé la rivière à la nage	عرض رودخانه را شناکرد.

## - افعال مرکب

فرانسه	فارسی
Va t'en	برو (از اینجا)!
Il s'appelle Jacques	آسم او ژاک است.
Il s'est fait arnaquer	سرش کلاه رفت.
Ne t'en fais pas!	بی خیالش!
Ca se mange froid	سرد خورده می شود.
Il fait construire le bâtiment	او ساختمان را می‌سازد.

## گاهی نیز به‌ناچار ترجمه ناتمام می‌ماند:

فرانسه	فارسی
Il est sorti pour acheter du pain	رفت نان بخرد. (فعل فرانسه نشان‌دهنده این است که فرد در مکانی بوده که قرار است با نان برگردد)
Il vaudrait mieux .....	بهتر است. (مفهوم ارزیدن کاملاً پنهان می‌ماند.)
Il m'a séduite	او مرا مجذوب خود کرده. (مؤنث است و مؤنث‌بودن اشخاص در ترجمه فارسی ظاهر نمی‌شود.)

فراگذاری زنجیره‌ای (همانند گلوله برف، اولین فرآیند فراگذاری، فرآیند دومی را در پی دارد و دومی، سومی را و به‌همین ترتیب)

فرانسه	فارسی
European Ferries a montré un intérêt concret pour l'achat de six appareils.	شرکت یورپین فریز برای خرید شش دستگاه بسیار رغبت از خود نشان داد.

گاهی اوقات فرآیند فراگذاری با تغییر دیدگاه یکی می‌شود:

فرانسه	فارسی
C'est parfois compliquee.	میشه پیچیده هم باشه.
Ca se peut.	احتمالاً / امکان دارد.

در اینجا نه تنها وجه را در قید تغییر می‌دهیم بلکه دیدگاه را نیز تغییر می‌دهیم (امکان و تواتر). به علاوه دیدیم که فراگذاری به نوعی، فرآیند «تغییر دیدگاه نحوی» است؛ بنابراین بین این دو مقوله همپوشانی است.

فرانسه	فارسی
Il fait froid.	هوا سرد است.
Ca me fait du bien.	خوشم میاد.

فرآیند سوم: اضافه یا حذف

#### ۱. بسط و گسترش مطلب یا باز کردن مطلب<sup>۱</sup>

بسط یعنی افزودن کلمات یا طولانی کردن مطلب برای کسب معنای مورد نظر. این ویژگی خاص زبان فرانسه است؛ زیرا نسبت به زبان انگلیسی از تراکم و فشردگی کمتری برخوردار است. البته زبان فارسی نیز از این ویژگی به دور نیست.

فرانسه	فارسی
Un vrai arnaqueur !	یارو واقعاً یک کلاه‌برداره.
Je voyagerai en train omnibus	من با قطاری سفر می‌کنم که در همه ایستگاه‌ها توقف می‌کند.

1. Etoffement

Je dois examiner les solutions qui s'offrent à moi	باید گزینه‌های پیش روی خود را بررسی کنم.
Une étude récente montre que	یک تحقیق که به تازگی صورت گرفته است، نشان می‌دهد که
Il l'a aidé à porter ses sacs	او در حمل چمدان‌ها به خانم کمک کرد.

### فن بسط گاهی اجباری است:

فرانسه	فارسی
Wow! C'est grand, le Brésil.	وای! برزیل چقدر بزرگه!
Il a claqué la porte	در را محکم بست.
Je suis d'accord pour dire qu'ils n'ont apporté aucune solution	من با این مسئله موافقم که آن‌ها هیچ راه حلی به همراه نداشتند.

### - توضیح اضافه<sup>۱</sup>

توضیح اضافه زیرمقوله فن بسط است و مربوط به اضافاتی می‌شود که به قصد روشن‌سازی یک واقعیت فرهنگی صورت می‌گیرد؛ اضافاتی که بدون آن احتمال می‌رود مطلب از نظر خواننده دور بماند.

فرانسه	فارسی
Faire l'auto-stop	ماشین تو راهی سوار شدن
Le guidon	دسته دوچرخه
La carte grise	کارت شناسایی خودرو
Casier judiciaire	گواهی عدم سوء پیشینه قضایی

## ۲. حذف موردی یا سبک‌سازی، پاک‌کردن و حذف موارد بی‌فایده و تکراری

فرانسه	فارسی
Il se tenait près de la porte avec un bâton à la main.	چوب به دست نزدیک در ایستاده بود.
La decision adoptee	این تصمیم
La faculté des sciences de l'ingénieur	دانشکده مهندسی
Femme de ménage	کلفت

## گاهی اوقات اعمال این فن اجباری می‌نماید:

فرانسه	فارسی
Eux, ils viendront chez vous	آنها به منزل شما خواهند آمد.

فرآیند چهارم: معادل‌گذاری<sup>۱</sup>

این فرآیند هنگامی پیش می‌آید که مطلقاً نمی‌توان کلمه به کلمه ترجمه کرد؛ زیرا هر یک از دو زبان از رمزگان (کد) ویژه خود استفاده می‌کنند. این جنبه دشوارترین جنبه یادگیری و ترجمه یک زبان است:

ترکیبات جفتی: کلماتی به صورت دوتایی یا بیشتر ظاهر می‌شوند.

فرانسه	فارسی
Pleine lune	ماه کامل
Ciel claire	آسمان صاف
Sans espoir	ناامید
Claire de lune	نور مهتاب
Un pain au chocolat	نان شکلاتی
Avec les moyens du bord	با امکانات موجود

---

1. Equivqlence

این ترکیب‌ها گاهی گویایی و شیوایی بیشتری را القا می‌کنند:

فرانسه	فارسی
Automobile	خودرو
Mise a jour	روزآمد
Un gratte-ciel	آسمان‌خراش
Pieces detachees	لوازم یدکی
Le mal de mer	دریازدگی

عبارات اصطلاحی<sup>۱</sup> ساختارهای خاص یک زبان هستند.

فرانسه	فارسی
Comment ca va?	چطوری؟
Quoi de neuf?	چه خبر؟
Dos d'ane	دست‌انداز
Au jour le jour/ d'un jour à l'autre/ du jour au lendemain/ de jour en jour	روزبه‌روز
S'il vous plait	لطفاً

امثال و تعبیرات<sup>۲</sup> که در همهٔ زبان‌ها بسیار رایج‌اند نیز جزو این دسته هستند:

الف. امثالی و تعبیراتی که در دو زبان معادل یکسان دارند که متأسفانه بسیار

ندارند:

فرانسه	فارسی
Etre comme l'eau et le feu	مثل آب و آتش بودن
Porter quelqu'un aux nues	کسی را به عرش رساندن

1. Idiomatismes

2. Proverbes

## گاهی این تغییرات ناچیزند:

فرانسه	فارسی
Une tête de mule	کله خر
L'argent ne fait pas le bonheur	پول خوشبختی نمیاره
Faire fausse route	به بیراهه رفتن

ب. معادل خاص در زبان مقصد وجود دارد لیکن خیلی متفاوت است. در چنین موقعیت‌هایی باید مراقب بود در دام «برساخت» نیفتیم. اینجاست که از فرآیند تغییر دیدگاه استعاره‌ای سخن به میان می‌آید.

فرانسه	فارسی
Il a été pris la main dans le sac	سر بزنگاه او را گرفتند.
Qui vole un œuf, vole un bœuf	تخم مرغ دزد، شتر دزد می‌شود
Quand les pouls auront les dents	وقت گل نی
Savoir, c'est pouvoir	توانا بود هر که دانا بود.
Aide-toi, le ciel t'aidera	از تو حرکت از خدا برکت
Il était une fois	یکی بود یکی نبود
L'Hexagone	کشور فرانسه

ج. هیچ معادل ممکن‌ی وجود ندارد: در این موارد از زیاده‌گویی یا ترجمه کلمه‌به‌کلمه یا شرح و توضیح بپرهیزید، بلکه در زبان مقصد چیزی معادل طنز یا سخریه و غیره بیابید که مناسب موقعیت باشد.

فرانسه	فارسی
Aux imbéciles, les poches vides	جیب خالی، پز عالی
Raisonner comme une pantoufle	دلایل بی‌سروته آوردن
Pleurer comme un veau	زرز کردن
La majorité	سن قانونی
L'union fait la force	یک دست صدا ندارد

تطبیق یا سازگاری یعنی جایگزین کردن واقعیت فرهنگی زبان مبدأ با واقعیت فرهنگی دیگر:

فرانسه	فارسی
Petit-fils	نوه
Il est en cinquième	دوم راهنمایی (دوم متوسطه نظام جدید)
Je chausse du 43	اندازه پام ۴۳ است
Le réveil	ساعت شماطه‌دار
Pret a porter	لباس حاضری

واحدهای اصلی وزن و اندازه: از آنجا که سیستم‌های وزن و اندازه در زبان فارسی و فرانسه تقریباً یکسانند، تطبیق مقیاس‌های وزن و اندازه معمولاً از انگلیسی صورت می‌گیرد.

انگلیسی	فارسی و فرانسه
A pint	0,57 cl
A litre	Idem
A gallon	4,55 L
An ounce	28g/0,028L
A pound	453 gr
A stone	6,35 kg
A ton	1014 Kg
An inch	2,54 cm
A foot	30,5 cm
A yard	91,4 cm
A mile	1,61 km

با وجود این، بین فارسی و فرانسه نیز از این تطبیق‌ها وجود دارد:

فرانسه	فارسی
Une livre	نیم کیلو
Un decimetre	ده سانتیمتر

اقتباس<sup>۱</sup>

اقتباس «درجه صفر ترجمه» است؛ زیرا کلمه زبان دیگر، به همان صورت به کار گرفته می‌شود. چنین کلمه‌ای اغلب تنها راه چاره است و در زبان مقصد نسبتاً جا افتاده و پذیرفته شده است. مثال: کودتا، تلفن، تلویزیون، آباژور، لامپ، اوپرا، سینما، تئاتر، فدراسیون، کنفرانس، سمینار، کنگره، پارلمان، تریبون، پارک، بولوار توریست، پیک‌نیک، اتومبیل و غیره.

## ۳. بررسی رویه‌های ترجمه

بعد از تحلیل و بررسی مجمل فنون مختلف ترجمه که بیشتر مبتنی بود بر تماس دو زبان، در اینجا آن حیطه از ترجمه را مورد بررسی قرار می‌دهیم که از زبان فراتر رفته و مبتنی است بر تماس دو فرهنگ. خواهیم دید چگونه ملاحظات فرازبانی که مترجم باید به آن‌ها توجه داشته باشد، مهمتر از ملاحظات زبانی است که به اختصار در بالا ذکر آن رفت.

در این بخش فرضیه مطالعه را بر این اصل بنا می‌نهیم که بررسی رویه‌های ترجمه مبتنی است بر مقایسه دو فرهنگ که در ترجمه با هم برخورد می‌کنند. بر این اساس، به‌خوبی نشان خواهیم داد که در کار ترجمه پایدار، پایش معادل‌های فرازبانی (فرهنگی) مقدم است بر جست‌وجوی معادل‌های زبانی. در این راستا و به‌منظور محدود کردن رویه‌های مختلف، لازم است دو دیدگاه ارتباطی یعنی درک نشانه‌ها و بیان معنا به‌وضوح از هم متمایز شوند. درک نشانه‌ها و مفهوم آن در زبان و فرهنگ مبدأ مطرح می‌گردد و بیان معنا تلاشی است پویا در جهت انتقال همان مفهوم با نگاه به زبان و افق فرهنگ مقصد.

در راستای نیل به این هدف ما مشکلات فراروی ترجمه را به دو دسته تقسیم می‌کنیم: دسته اول، مشکلات با سنخ فرازبانی و دسته دوم مشکلات با سنخ زبانی.

---

1. L'emprunt



### مشکلات با سنخ فرازبانی

مطالعه مشکلات فرازبانی در ترجمه مبتنی است بر تحلیل مقایسه‌ای صورت‌های کلامی (formes) قابل درک (اشیا، رفتارها، و غیره) که در موقعیت‌های قابل مقایسه در هر دو زبان مبدأ و مقصد قرار دارند و نیز بر تحلیل هاله‌های معنایی و بیانی<sup>۱</sup> که این صورت‌های کلامی حاوی آن هستند. این بررسی خود در دو مرحله انجام می‌شود: مرحله اول در منظرگاه درک و فهم، یعنی درک شکل‌های فرازبانی موجود در فرهنگ مبدأ که در متن مبدأ مشخص هستند و مرحله دوم در منظرگاه بیان معنا با توجه به شکل‌ها یا صورت‌ها فرازبانی موجود در فرهنگ زبان مقصد.

هرگاه هر دو نظام نشانه‌ای (کد) فرهنگی، مورد تماس در ترجمه، با هم یکسان باشند خواهیم گفت:

(الف) در منظرگاه درک و فهم، یک شکل فرازبانی یکسان مانند «پدر چکسلواک و انگلیسی دختر خود را بر روی دهان می‌بوسد» در یک موقعیت یکسان یا مشابه «به هم رسیدن بعد از مدت طولانی» بیان‌کننده یک نتیجه معنایی و بیانی می‌باشد که در هر دو فرهنگ، یکسان یا قابل قیاس تلقی می‌شود (سنخ عادی امور، بدون ایراد).

(ب) از لحاظ بیان، می‌بینیم که در هر دو فرهنگ متقابل در این ترجمه (چکسلواک و انگلیسی) نتیجه معنایی و بیانی یکسان یا قابل قیاس مانند «به هم رسیدن صمیمانه و پر حرارت پدر و دختر بعد از مدت طولانی»، با سنخ عادی امور بیان شده است. وضعیت یکسان یا قابل قیاس «یافتن گم‌شده خود» از طریق یک شکل فرازبانی یکسان (پدر دهان دخترش را می‌بوسد) بیان شده است. در این اولین مورد ترجمه، لزومی برای پرداختن به تفاوت فرازبانی نمی‌ماند.

هنگامی که هر دو نشانه فرهنگی متقابل در ترجمه از هم متفاوت باشند خواهیم

دید:

(الف) در منظرگاه درک و فهم، در هر یک از این دو فرهنگ (فرانسه و انگلیسی) یک شکل فرازبانی که یکسان انگاشته می‌شود. مثال: «پدر» (فرانسوی و انگلیسی)

1. Des effets de ses et d'expressivité

دخترش را از روی دهان می‌بوسد» با اینکه موقعیت یکسان و قابل قیاس (یافتن گم‌گشته خود) است، بیانگر نتیجه معنایی و بیانی متفاوت است؛ در انگلستان امری عادی است و در فرانسه عرف نبوده و عملی نادرست محسوب می‌شود.

ب) در منظرگاه بیان، می‌بینیم که در هر یک از این دو فرهنگ (فرانسه و انگلیسی) نتیجه معنایی یکسان و قابل قیاس (سنخ عادی) در موقعیتی یکسان یا قابل قیاس (یافتن گم‌گشته خود) از طریق یک شکل فرازبانی لیکن دو شیوه متفاوت بیان می‌شود: در انگلستان پدر دخترش را از دهان می‌بوسد و در فرانسه پدر دخترش را با مهربانی در آغوش می‌کشد.

در مورد دوم، لازم است ترجمه مشکلات حاصل از تفاوت‌های فرازبانی موجود در فرهنگ مبدأ و فرهنگ مقصد را حل نماید. ترجمه هر نوع متنی ابتدا در معرض تخمین و پردازش این تفاوت‌های موجود بین دو فرهنگ قرار می‌گیرد. اگر ارائه معنا در ترجمه از طریق فرازبان خاص فرهنگ مبدأ انجام می‌شود، این باید عیناً در زبان مقصد بیان شود و معنای ضمنی آن روشن شود که در مورد مثال مذکور این‌گونه خواهد بود:

مورد الف) «پدری (انگلیسی) که از سفر طولانی برگشته دخترش را از دهان می‌بوسد» که عیناً و کلمه‌به‌کلمه ترجمه شده، باید در متن ترجمه طوری گنجانده شود که معنای همین مورد «الف» را بدهد، یعنی سنخ عادی امور در انگلستان.

اگر صرفاً از طریق ترجمه شکل فرازبانی مختص به فرهنگ مبدأ، تحقق معنا در ترجمه صورت نگرفت، می‌توان به شیوه‌ای که وینه و داربلنه آن را تطبیق «سازگاری» می‌نامند، عمل کرد؛ یعنی شکل فرازبانی مختص فرهنگ مبدأ را به شکل فرازبانی مختص فرهنگ مقصد ترجمه کرد:

مورد «الف» یعنی «پدر (در مفهوم انگلیسی) هنگام بازگشت به خانه بعد از یک سفر طولانی دخترش را از دهان می‌بوسد» خواهد شد مورد «ج» یعنی «پدر (در مفهوم فرانسوی) هنگام بازگشت از یک سفر طولانی دخترش را با مهربانی تمام در

آغوش می‌فشارد». یا اینکه می‌توان شکل مختص را حذف کرد (مطابق فرآیند حذف که در بالا، بخش اول، ذکر آن آمد):

جمله «پدر (در مفهوم انگلیسی) هنگام بازگشت به خانه بعد از یک سفر طولانی دخترش را از دهان می‌بوسد» مثلاً خواهد شد «پدر هنگام بازگشت به خانه بعد از یک سفر طولانی دخترش را می‌بوسد».

این چیزی است که در نزد مردم مقصد به سازگاری از آن یاد می‌شود: «پدر هنگام بازگشت از یک سفر طولانی، دخترش را با مهربانی تمام در آغوش می‌فشارد».

### مشکلات با سنخ زبانی

فقط بعد از حل مسئله تفاوت‌های فرازبانی ناشی از ترجمه متن به یک زبان دیگر است که می‌توان سراغ مشکلات خاص زبانی رفت. مشکلات زبانی ابتدا مربوط می‌شوند به برقراری تطابق‌های بین انواع متن (ژانر). این مسئله هنوز به شکل نظام‌یافته‌ای تحقیق نشده است؛ هرچند پیشنهادهاى جالب توجهی در چهارچوب ارزشیابی ترجمه‌ها (لارز، ۱۹۸۷) و نیز در چهارچوب تحلیل گفتمان (مواران، ۱۹۹۴) ارائه شده است.

از منظر ترجمه‌شناسی، تحلیل گفتمان در حقیقت این امکان را می‌دهد تا در دو چهارچوب اصلی بر روی «معنی» متمرکز شویم: چهارچوب «نوع یا ژانر» (چهارچوب عبارات زبانی و ادبی خاص هر زبان مانند آنچه رمان پلیسی، نمایش‌نامه یا انگیزه‌نامه و غیره را از هم متمایز می‌کند) و چهارچوب «متن» (واحدهای بلاغت که از قسمت‌های مربوط به هم و مکمل هم ساخته شده است؛ یعنی جملات و پاراگراف‌ها).

از آنجا که پدیده‌های متنی مانند «بینامتن» وجود دارند که مربوط به روابط صریح و ضمنی بین متونی از قبیل متن عاریتی، متن هجوی، متن تقلیدی یا متن نقل‌وقول‌شده‌اند، مترجم باید بتواند این روابط و مرزها را بازشناسد تا مثلاً قطعه‌ای از شعر معروفی را که در متن آمده به صورت نثر ترجمه نکند.

در اینجا مسئله توزیع عناصر سبک‌شناختی مشخص در زبانی که گویش قومی<sup>۱</sup> تلقی می‌شود، مطرح می‌گردد. این توزیع، خود نیز، از یک زبان به زبان دیگر متفاوت است. در چهارچوب تحلیل مکالمه‌ای، کربرات ارکچیونی (۱۹۹۴) همین واژه را برای بیان «چهارچوب ارتباطی محاوره» یک گروه زبانی به کار می‌برد و به آن «ویژگی قومی» گروه یا «خصیصه جمعی»<sup>۲</sup> می‌گوید.

از دیدگاه سبک‌شناسی تطبیقی می‌توان این برقراری تقابل‌های زبانی فوق را به شیوه زیر نیز بیان کرد:

یک شکل فرازبانی آنالوگ (یکسان یا متفاوت در هر یک از فرهنگ‌ها، مثلاً «پدری که دخترش را از دهان می‌بوسد» در انگلستان، «پدری که دخترش را با مهربانی در آغوش می‌فشارد» در فرانسه) می‌تواند تجزیه‌پذیر یا تجزیه‌ناپذیر به اجزای مشخص شده توسط واحدهای زبانی واژه‌ای باشد. در رویه معادل‌گذاری عبارات، اگر این شکل تجزیه‌ناپذیر باشد، در این صورت باید عبارتهای کلیشه‌ای مربوط به یک موقعیت را با استفاده از رویه‌ای که وینه و داربنه آن را معادل‌گذاری عبارات نامیدند، ترجمه کرد. دقیقاً مانند اصطلاحات مکاتبه‌ای مرسوم در آخر نامه‌ها:

فرانسه	Veillez agréer, Monsiuer, l'expression de .....
فارسی	ارادتمند شما
انگلیسی	Yours sincerely

رویه معادل‌گذاری عبارات می‌تواند در معنایی وسیع‌تر مطرح شود. در این صورت رویه از چهارچوب جمله فراتر می‌رود و می‌تواند یک بند یا پاراگراف یا بخش وسیع‌تری از متن را به خود اختصاص دهد. لیکن در عین حال، تمامی معادل‌های معنایی که در داخل جمله به چشم می‌خورند را در بر می‌گیرد؛ از جمله

1. Ethnolecte

2. Ethos

معادل‌سازی‌هایی که از طریق فرآیندهای تغییر دیدگاه، فراگذاری و ترجمه کلمه‌به‌کلمه صورت گرفته است.

برعکس اگر بتوان شکل فرازبانی را به اجزایی که با واحدهای زبانی از نوع واژگانی مشخص شده‌اند و در هر دو فرهنگ به‌عنوان اجزای مشترک تلقی می‌شوند، تجزیه کرد، این اجزاها از نقطه‌نظر دلالت‌های واژگانی و نحوی می‌توانند به دو شیوه همگرا یا واگرا بیان شده باشند. در مورد واگرایی‌های نحوی و واژه‌ای، به ننگام مقایسه متون ترجمه‌شده متوجه نکته‌ای می‌شویم که در بالا آن را فراگذاری نحوی و تغییر دیدگاه واژه‌ای نامیدیم. مثلاً در فرانسه *trou de serrure* و در فارسی سوراخ قفل در را در نظر بگیرید. با مقایسه دو مجموعه واژگانی فرانسوی و فارسی متوجه می‌شویم که از لحاظ نحوی در برابر یک متمم اسمی در فرانسه (*de serrure*)، یک گروه اضافه‌ای در زبان فارسی قرار دارد که عبارت است از دو اسم که با وجود کسره همدیگر را مشخص‌تر می‌کنند. در مقابل اسم معین و غیر مشتق *trou* اسم معین و غیر مشتق «سوراخ» در زبان فارسی قرار می‌گیرد؛ به ترتیب «گروه اضافه‌ای اسم + نشان اضافه (*de*) + اسم» در زبان فرانسه، یک کسره و اسم دیگر در زبان فارسی اضافه شده است. به عبارتی، در برابر یک ترکیب اضافه‌ای در زبان فرانسه دو ترکیب اضافه‌ای در زبان فارسی به‌کار رفته است. از لحاظ واژه‌ای، دلالت‌های واژگانی در دو زبان، نزدیک به هم هستند. کلمه *serrure* در زبان فرانسه باید با یک ترکیب اضافه‌ای دو اسمی (قفلی در) ترجمه شود؛ چون قفل به‌تنهایی گویای آن نیست.

در بیان اجزای یکسان دو فرهنگ مورد تقابل در ترجمه، دو زبان می‌توانند مثل زبان‌های فارسی و فرانسه از لحاظ صورت کلمه یا از لحاظ دلالت‌های زبانی دارای ساختارهای واژه‌ای و نحوی یکسان باشند. به‌طور سنتی، این گونه تطابق‌های زبانی را «ترجمه کلمه‌به‌کلمه»<sup>۱</sup> یا حتی «ترارمز»<sup>۲</sup> می‌نامند:

مثال: در فرانسه «*de chapeau de ce garçon*» و در فارسی «کلاه این پسر»

1. Mot à mot  
2. Transcodage

شایسته است مفهوم ترجمه کلمه به کلمه (با موارد ویژه بر ساخت<sup>۱</sup> و اقتباس) مورد دقت بیشتری قرار گیرد، زیرا در بر گیرنده مجموعه وسیعی از انواع تطابق‌ها با سنخ‌های متفاوت می‌شود.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش دیدیم که صورت‌های کلامی هیچ دو زبانی، هر قدر هم که به هم نزدیک باشند، باز با یکدیگر همپوشانی ساختی کامل ندارند. این پژوهش از طریق مثال‌های متعدد نشان داد که برای فائق آمدن بر موقعیت‌های حساس و ژرف کار ترجمه، شناسایی ویژگی‌ها و توانمندی‌های ساختی خاص هر دو زبان، ضرورتی بنیادین است. در واقع، صورت‌های کلامی تنها، ابزار اولیه‌ای در جهت درک مقصود نویسنده یا گوینده این نه تمام مقصود وی. موقعیت‌های متعددی که به‌عنوان مثال ذکر شد به‌خوبی بیان می‌کنند که چگونه ترجمه در ورای معادل‌گذاری واژگانی، می‌تواند فنون و دستور کار خاص خود را داشته باشد. این فنون کاربردی ترجمه در تقابل زبانی فرانسه‌فارسی در چهار فرآیند اصلی دسته‌بندی می‌شوند. در موقعیت‌هایی که ضرورت ایجاب می‌کند برای شفاف‌سازی و ملموس کردن مسائل، از مقایسه با معادل‌های زبان انگلیسی نیز کمک گرفتیم.

پی‌بردن به فرآیندهای ترجمه، چه در کار آموزش ترجمه‌شناسی و چه در کار ترجمه، در واقع مجهز شدن به کلیدهای اساسی مشکلات است. در ورای نظریه‌های موجود ترجمه، لازم می‌آید که انتقال معنا را در جای دیگری ورای صورت‌های کلامی یعنی در فرازبان به اتمام رساند. فرهنگ جایی است که زبان در آن قالب و رنگ و لعاب معنایی خود را می‌یابد. نمونه‌های ملموس در این پژوهش به ما نشان داد که صرف ترجمه کردن واژگان از یک زبان به یک زبان دیگر حتی اگر از لحاظ زبانی به انتخاب معادل واژه ایرادی وارد نباشد، ممکن است کار ترجمه را با شکست مواجه سازد. در ورای انتقال نشانه-معنا از یک زبان به زبان دیگر، مفاهیمی

---

1. Calque

وجود دارند که جایگاهشان از زبان فراتر رفته و در حیطه فرهنگ قرار می‌گیرد. از بین این مفاهیم، آنهایی که در سنخ امور غیر عادی هستند به‌عنوان دشواری ویژه کار ترجمه شناخته می‌شوند. این تحقیق با تکیه بر نظریه فرآیندهای ترجمه نشان داد که به‌خوبی می‌توان اصول فرآیندهای بنیادین ترجمه را حتی در برخورد با دشواری‌های فرازبان تعمیم داد. این پژوهش، تطبیق و رعایت سنخ‌های امور عادی و غیر عادی بین دو فرهنگ مبدأ و مقصد را به‌عنوان یک راه حل پیشنهاد می‌کند. شناسایی و به‌کارگیری این ویژگی‌ها و دقت‌هاست که می‌تواند به ترجمه همانند اثر اصلی خلاقیت و نبوغ بخشد.

#### کتابنامه

1. Berman A. 1995, *L'épreuve de l'étranger*. Gallimard.
2. Gile D. 2005, *Traduction, la comprendre, l'apprendre*. Paris, Presse universitaire de France.
3. Gile, D. 1995, *Basic concepts and models for interpreter and translation training*. Benjamins translations library.
4. Kebrar-Orecchioni, C. 1994, *Les interactions verbales*. t. III, Paris, Armand Colin.
5. Ladmiral, J-R. 1994, *Théorèmes pour la traduction*. Paris, Gallimard.
6. Moirand, S. et al. 1994, *Parcours linguistique des discours spécialisés*. Bern, Peter Lang.
7. Robert L. 1989, *Théories contemporaines de la traduction*. Presses de l'Université du Québec.
8. Theo H. 1999, *Translation in Systems. Descriptive and System-oriented Approaches Explained*. Manchester, St. Jerome Publishing.
9. Theo H. 2014, *The conference of the tongues*, London, Routledge.
10. Vinay, J.-P ; Darbelnet, J. 1958, *Stylistique compare du français et de l'anglais*. Paris, Didier.
11. Vanacker B. et Tom T. *Pseudo-traduction, Enjeux métafictionnels*. In *Interférences littéraires* (e-journal), novembre 2016, pp. 5-39